مشروطه

سفارت انگلیس تنها محل امن

مهدی محمودیان

۲۸ تیر ۱۲۸۵

صد روز

تحصن شروع شده بود و مردم جهت همراهی و یا تماشا دسته دسته به سمت سفارت انگلیس در حرکت بودند. جمعیت از ۵۰ نفر شب پیش تا اواخر امروز به نزدیک ۵۰۰ نفر رسیده است.

حوالی ظهر دو نفر از کارکنان سفارت یعنی حسین قلی خان نواب و دیگری میرزا یحیی خان منشی بین متحصنین می آیند و به تجار می گویند: «حالا که شما آمده اید و متحصن شده اید بهتر این است که مقصود را اهمیت دهید و صرف امنیت خواستن برای خودتان را تنها عنوان نکنید. بلکه معاودت آقایان را عنوان کنید که لازمه آن امنیت خودتان است و هم چند نفری از سادات و اهل علم را نیز با خود همراه کنید هرچه عده زیاد شد و هر قد از سادات و طلاب با شما باشند بهتر است.»

این سخنان که احتمالاً با هماهنگی مسئولین عالی رتبه سفارت گفته شده باعث شد تجار تلاش کنند مردم و به ویژه طلاب را به داخل سفارت جذب نمایند.

جالب است دولت نیز که با متحصنین در مسجد شاه آنگونه مقابله کرد و دور مسجد را محاصره کرد با ورود مردم به سفارت هیچ برخوردی نکرد، حتی وقتی قائم مقام سفارت برای میرزا نصرالله خان مشیری وزیر خارجه عین الدوله پیغام می بردکه تجار به سفارتخانه پناه آورده اند جلوگیری نماید، او به مسامحه می گذراند و از طرف دولت و خود سفارت هیچ گونه مقاومتی به عمل نمی آید. حتی از صبح امروز سربازانی که در شهر مستقر بودند نیز از شهر خارج شدند.

اما بعد از سخنان کارمندان سفارت تجار به گفته ناظم الاسلام «جمعی از طلاب مدرسه صدر و دارالشفا را با خود نموده بعضی را با پول و بعضی را بدون پول به سفارتخانه بردند.» از طرفی هم نزدیکان بهبهانی مردم و طلاب و تجار را برای رفتن به سفارت تشویق می کردند. در تاریخ بیداری نقل شده است: «محمدتقی سمنانی از اجزای آقای بهبهانی که برای همین گونه مطالب در شهر مانده است پنجاه تومان به آقا سیدمحمدتقی و دستورالعملی به آقامیرزا محمود داده است و آن دو نیز عده زیادی از سادات و اهل علم را به سفارت برده اند.»

البته تجار برای اینکه مردم را به سمت سفارت جلب کنند تعدادی اوراق قرآن را که گفته می شد در واقعه مسجد جامع هدف گلوله قرار گرفته بود به مردم نشان داده و آنها را تحریک می کردند. مشاهده این اوراق هیجان عجیبی بین مردم ایجاد می کرد. امروز

▲ باغ سفارت انگلیس

دکان ها دوباره بسته شد و اصناف دسته دسته به سمت سفارت رفته و هر صنف برای خود چادری بنا و در آن جمع می شدند. طلاب و مدارس نیز دسته دسته به سمت سفارت می روند. حتی طلاب مدرسه ناصریه که مدرسه ای دولتی بود و توسط ظهیرالاسلام داماد مظفرالدین شاه اداره می شد نیز مدرسه را رها و به سمت سفارت حرکت کردند. امروز آشپزخانه عمومی نیز در حیاط سفارت برپا شد. کلیه امور مالی متحصنین توسط حاجی محمدتقی بنکدار و برادرش حاج حسن انجام می شد و اگر پولی هم به صورت سری می رسید به این دو برادر تحویل می شد. اعضای انجمن ها نیز که در بیرون سفارت جرات نمی کردند با هم دیدار داشته باشند در سفارت دور هم جمع شده و فعالیت های خود را هماهنگ می کردند. اعضای انجمن مخفی نیز در چادری گرد هم آمدند و در اواخر روز نامه خطاب به مظفرالدین شاه نوشتند و نسخه هایی از آن را بین مردم متحصن در سفارت توزیع کردند. در این نامه بعد از عرض احترام به شاه با ذکر حدیثی از حضرت امام رضا(ع) نوشته بودند: «دعاگویان اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف برادران ایمانی عرضه می داریم که دو سال است علمای اعلام قبه الاسلام دارالخلاقه از دست ظلم و تعدی حکام جور به حضور مبارک شاهنشاه متظلم شده استدعا نمودند که بساط عدل گسترده شود...» سپس با یادآوری دستخط شاه مبنی بر تشکیل عدالتخانه و گفتن اینکه خائنین دولت دستخط او را به اجرا نگذاشته اند خطاب به شاه می نویسند: «علمای اعلام و سایر رعایا که تمام ناموس و عرض پادشاه اند، یاغی و طاغی قلمداد نموده و کار را به جایی رساندند که جمعی از آل رسول و دوستان علی ابن ابیطالب را در مسجد که خانه یزدان و محل امن و امان عبادالله است به گلوله بستند.» و در انتها از پادشاه می خواهند «استدعای رعایا آن است که مجلس معدلتی که حاوی بر اجرای احکام قانون محمد (ص) و مشتمل است بر حفظ نفوس و اموال و اعراض و ناموس مسلمین و امنیت دوستان محمد و آل محمد (ص) اقامه شود.»

در پایان امروز تعداد متحصنین از سقف پانصد نفر گذشته بود و هر ساعت به تعداد متحصنین افزوده می شد.

اولین قربانیان سلاح هسته ای

هیروشیما و ناکازاکی

سیروس غفاریان

هفته دوم ماه اوت ۱۹۴۵ کره زمین با حوادث هولناکی روبه رو بود. در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم، بشر بمباران اتمی را تجربه کرد و هزاران انسان بی گناه در یک فاجعه بزرگ انسانی از بین رفتند.

پس از تسلیم آلمان هیتلری متحد ژاپن در ۸ مه ۱۹۴۵ ژاپن هم چنان به جنگ با آمریکا ادامه می داد. خلبانان کامیکازه (توفان خدایی) که در واقع خلبانان انتحاری ژاپن بودند، برای حفظ میهن و شکست دشمن همه روزه با سقوط خود روی ناوگان آمریکایی ارتش آمریکا را با آن همه ادوات جنگی به وضعیتی رسانیده بودند که مقامات سیاسی نظامی آمریکا پیش بینی می کردند که پس از شکست آلمان، ژاپن خواهد توانست تا مدت ها در منطقه اقیانوس آرام با آمریکایی ها بجنگد. اگر به ریشه جنگ بین آمریکا و ژاپن نگاه کنیم خواهیم دید که دیدگاه های توسعه طلبی آمریکا و ژاپن و رقابت بر سر سلطه بر جزایر اقیانوس آرام باعث جنگ بین این دو کشور شد.

ژاپن بعد از انقلاب میجی توسط موتوسو هیتو در اواخر قرن نوزدهم مانند یک دولت اروپایی قدرتمند شد. اما چون این کشور به نفت و کائوچو و مواد اولیه نیازمند بود قصد دست اندازی به جزایر اقیانوس آرام از اندونزی تا شمالی ترین نقاط این منطقه را داشت. در دسامبر ۱۹۲۶ هیروهیتو به امپراتوری ژاپن رسید. ژاپنی ها که از ۱۹۱۰ بر شبه جزیره کره دست یافته بودند، در ۱۹۳۱ به منچوری در خاک چین نیز حمله ور شده بودند. در ژوئیه ۱۹۳۱ «آراکی» وزیر جنگ ژاپن با مطرح کردن تز «دولت آسیایی بزرگ» برای امپراتور ژاپن، جنگ با دولت های انگلستان و آمریکا را اجتناب ناپذیر دانست. زیرا ژاپن برای تامین احتیاجات جمعیت رو به تزاید خود و منابع مورد احتیاج صنایع خویش احتیاج به بخش عظیمی از شرق آسیا داشت. از این جهت دولت ژاپن در ۲۹ دسامبر ۱۹۳۴ قرارداد دریایی بین خود و ایالات متحده آمریکا درباره تعداد کشتی های ژاپن و ظرفیت آنها را به طور یک جانبه لغو کرد و در حالی که بین آمریکا و ژاپن بر سر حل اختلافات موجود مذاکراتی در واشینگتن در جریان بود در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۱ ژنرال هیدکی توجو به نخست وزیری رسید و جنگ با آمریکا را اجتناب ناپذیر اعلام کرد. به دستور ژنرال هیدکی توجو و تصویب امپراتور در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ نیروی هوایی ژاپن به بندر «پرل هاربر» درهاوایی حمله برد و اکثر ناوگان آمریکایی مستقر در آنجا را غرق کرد و از این روز به بعد بین ایالات متحده آمریکا و ژاپن حالت جنگ برقرار شد. ارتش آمریکا برای مقابله با ژاپن به تنهایی در حدود ده هزار هواپیما و تعداد زیادی ناوگان جنگی و زیردریایی به حوزه اقیانوس آرام فرستاد. ارتش آمریکا برای مبارزه با ژاپن فرماندهی قوای خود را بین دو ژنرال در شمال و جنوب تقسیم کرد. بدین ترتیب که «ژنرال مک آرتور» فرمانده جبهه جنوبی اقیانوس آرام شد. فرماندهی منطقه شمالی با «ژنرال نیمتز» بود. «دریاسالار لرد مونت باتن» انگلیسی علاوه بر فرماندهی بر منطقه برمه، بخش مرکزی اقیانوس آرام را نیز زیر سلطه نیروهای خود داشت تا مانع هجوم قوای ژاپن به استرالیا شود. از ۱۹۴۲ به بعد جنگ به قدری شدت گرفت که هواپیماهای غول پیکر آمریکایی به نام سوپرفورترس (دژ پرنده) که در رده هواپیماهای B52 بود بمباران دهشتناک توکیو و شهرهای دیگر ژاپن را آغاز کردند. طی یک حمله دسته جمعی این نوع هواپیماها در یک شب ده هزار نفر از مردم توکیو کشته شدند. اما ژاپنی ها نیز سرسختانه مقاومت می کردند. حمله ژاپنی ها به جزیره «میدوی» با تلفات زیاد آمریکایی ها دفع شد. در نبرد جزیره «گوادال کانال» واقع در جنوب اقیانوس آرام که دروازه تسخیر استرالیا به وسیله ژاپن بود با وجود تلفات سنگین آمریکایی ها، ژاپنی ها شکست خوردند و با آن که در فاصله اکتبر ۱۹۴۲ تا فوریه ۱۹۴۳ کامیکازه های ژاپنی بسیاری از ناوگان های آمریکایی را به قعر اقیانوس فرستادند ولی عاقبت آمریکایی ها پیروز شدند. بالاخره ماشین جنگی عظیم آمریکا

و انگلستان باعث شد که ژاپنی ها از برمه و شرق آسیا تا جزایر اقیانوس آرام را از دست بدهند. در ۱۹ فوریه ۱۹۴۵ تفنگداران دریایی آمریکا در جزیره «ایوجیما» که مشرف بر مجمع الجزایر ژاپن بود با تلفات جانی بسیار پیاده شدند و پرچم آمریکا را بر فراز بلندترین ارتفاعات آن نصب کردند.

■ توجیه آمریکا برای به کارگیری بمب اتمی

بعد از انعقاد کنفرانس پوتسدام در ژوئیه ۱۹۴۵ (بعد از تسلیم آلمان در اروپا) دولت آمریکا به رهبری ترومن اولتیماتومی به ژاپنی ها داد که فوراً تسلیم شوند و به این جنگ بی فایده پایان دهند و دیگر از جنگ سالاران خود اطاعت نکنند وگرنه شهرهای ژاپن به تلی از خاکستر تبدیل خواهد شد. در این کنفرانس آمریکایی ها با یک تیر دو نشان زدند. اولاً به استالین اطلاع دادند که سلاح مخوفی را تهیه کرده ایم تا از این رهگذر هم استالین را بترسانند تا بر سر تقسیم اروپا آنقدر چانه نزند. ثانیاً ژاپنی ها را نیز بترسانند تا به جنگ پایان دهند. بعد از این اولتیماتوم رادیو توکیو اعلام کرد که ملت ژاپن انهدام کلی کشور را به قبول پیشنهادهای کنفرانس پوتسدام ترجیح می دهد. چند روز قبل از فروآوردن بمب اتمی بر شهرهای «هیروشیما» و ناکازاکی بمباران شهرهای ژاپن به ویژه توکیو به وسیله اسکادران های هواپیماهای غول پیکر از نوع «B» که از B52 کوچک تر است باعث کشته شدن یکصد و بیست هزار نفر از مردم ژاپن شد. شدت گرفتن فعالیت های کامیکازه ها در منطقه «اکیناوا» آمریکایی ها را بسیار خشمگین ساخت. به طوری که در کمیسیون امنیت آمریکا تصمیم بر آن شد که بر شهرهای ژاپن بمب اتمی فرود آید. ژنرال آیزنهاور و ژنرال آرنولد با این عمل مخالف بودند، ولی ترومن استدلال کرد که ارتش آمریکا فقط برای تصرف جزیره «ایوجیما» که در ۱۲۰۰ کیلومتری توکیو قرار دارد چهارهزار تفنگدار دریایی تلفات داد و اگر به ژاپن فرصت بدهیم جنگ تا یک سال دیگر طول خواهد کشید و یک میلیون آمریکایی و ژاپنی کشته خواهند شد. او اضافه کرد که برای کوتاه کردن مدت جنگ باید دو بمب اتمی را که آمریکا آماده کرده است روی ژاپن انداخت لذا در ۱۶ اوت ۱۹۴۵ (۱۵ مرداد ۱۳۲۴) یک هواپیمای آمریکایی به نام مافوق دژ پرنده از نوع B29 به خلبانی «تی بتس» در ساعت ۸/۱۶ دقیقه بامداد در ارتفاع ۷۰۰ متری در فضای شهر هیروشیما بمب خود را رها کرد که در یکصد متری زمین منفجر شد. این بمب «لیتل بوی» (پسر کوچک) نام داشت. چهار هزار و ۸۰ کیلوگرم وزن و ۲/۰۴ متر طول آن بود و قدرت تخریب آن معادل بیست هزار تن (TNT) بود. در مرکز انفجار میزان حرارت به یک میلیون درجه سانتیگراد رسید و همه چیز را ذوب کرد و در دو کیلومتری انفجار همه موجودات مردند و در فاصله دورتر همه دچار سوختگی شدند و در یک لحظه ۹۱ هزار نفر کشته شدند. قارچ ایجاد شده این انفجار هفت کیلومتر ارتفاع داشت. در ۹ اوت ۱۹۴۵ (۱۸ مرداد ۱۳۲۴) یعنی سه روز بعد از فاجعه هیروشیما، هواپیمای دیگری از نوع B29 بمبی به وزن ده هزار پوند به نام «مرد چاق» که حاوی پلوتونیوم بود بر فراز ناکازاکی رها کرد که در نتیجه آن ۷۵ هزار نفر کشته شدند. در روز دهم اوت دولت ژاپن اعلام کرد که حاضر به تسلیم است به شرط آنکه مقام امپراتور محفوظ بماند. رادیو ژاپن سپس اعلام کرد که دشمن به یک اسلحه شیطانی دست یافته و امپراتور برای جلوگیری از ویرانی ژاپن خواسته های آمریکا را می پذیرد. این نطق امپراتور در ۱۵ اوت ایراد و ارتش آمریکا وارد اکیناوا شد. دولت ژاپن در ۱۵ اوت ۱۹۴۵ آتش بس را قبول کرد و در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ در عرشه ناو میسوری عهدنامه تسلیم بدون قید و شرط ژاپن توسط ژنرال «اومزو» وزیرخارجه و نماینده ارتش ژاپن و در حضور ژنرال مک آرتور به امضا رسید. ملت ژاپن از فردای آن روز بدون توجه به فشارهای خارجی به سازندگی کشور خویش ادامه داد تا اینکه به وضع فعلی رسید. ژنرال تویو جنگ سالار ژاپن و عده ای از ژنرال ها دستگیر و به اتهام جنایت جنگی محاکمه و اعدام شدند. روس ها که می خواستند حریم امنیتی بیشتری داشته باشند روز بعد از جنگ مجمع الجزایر کوریل را متصرف شدند که هنوز در دست روس ها است.

■ بمب اتمی چگونه به وجود آمد

برای نخستین بار اینشتین دانشمند آلمانی در ۱۹۰۵ با مطرح کردن تئوری $E=MC^2$ ثابت کرد که درون هسته مرکزی هر عنصر به ویژه اورانیوم نیروی عظیمی وجود دارد و انرژی حاصل از بمباران هسته مرکزی توسط الکترون ها، انرژی بسیار دهشتناکی حاصل می شود. در این فرمول E به منزله انرژی و M جرم جسم و C در حکم سرعت نور است. با استفاده از این تئوری دو دانشمند آلمانی به نام های «اتو هاهن» و «فریتس اشترازمن» در ۱۹۳۸ توانستند هسته مرکزی فلز اورانیوم را بشکافند و به انرژی حاصله آن پی ببرند. سپس دانشمندان آلمان در ۱۹۴۰ در نروژ که به تازگی به اشغال آلمان درآمده بود مراکز تحقیقاتی در این مورد ایجاد کردند ولی این مراکز به دست متفقین بمباران شد. اینشتین که از ۱۹۳۳ به آمریکا پناهنده شده بود به مقامات آمریکایی گزارش داد که آلمانی ها در پی ساختن بمب اتمی هستند لذا یکی از شاگردان او به نام پروفسور «اوپن هایمر» یک مرکز تحقیقاتی سری به نام «مانهاتان» ایجاد کرد و فیزیکدانان آلمانی تحصیلکرده دانشگاه های گوتینگن و زوریخ را نیز به کار گرفت و در نتیجه توانست اولین بمب اتمی خویش را در ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۵ در منطقه «آلامو گوردو» در منطقه نیومکزیکو به قدرت بیست هزار تن ماده TNT با موفقیت در زیرزمین آزمایش کند و متعاقب آن دو عدد بمب اتمی ساخت که بتواند روی شهرهای ژاپن فرود آورد. اسرار این سلاح مرگبار سپس به دست کشورهای دیگر افتاد. به طوری که روس ها در ۱۹۴۹ صاحب بمب اتم شدند و انگلیسی ها در ۱۹۵۲ و سپس فرانسوی ها در ۱۹۶۰ در خلال رقابت های دولت های بزرگ در ساختن سلاح هسته ای آمریکایی ها اعلام کردند که صاحب بمب هیدروژنی شده اند. در ۱۹۶۴ چینی ها نیز به این باشگاه ملحق شدند و متعاقب آن هند و پاکستان. ژاپنی ها که شکست خورده نظامی در جنگ دوم جهانی بودند نیز قادر به ساختن سلاح هسته ای بودند ولی تمام همت خویش را در شکوفایی اقتصاد خویش به کار بردند. به طوری که در حال حاضر بازار اتومبیل اکثر کشورهای جهان در دست ژاپنی ها است. وقتی که ژاپن در ۱۹۴۵ راضی به پایان جنگ شد، ژاپنی ها قانون اساسی خود را تغییر دادند و امپراتور هیرو هیتو که طبق آئین شینو مقامی در حد فرزندخواندگی خدا را داشت سقوط کرد و به یک مقام تشریفاتی تبدیل شد و نخست وزیر در واقع رهبر و مسئول مملکت شد و بعد از جنگ ایساکوساتو از سیاسیون باتدبیر ژاپن که در واقع معمار اقتصاد این کشور بود ژاپن را از یک کشور شکست خورده به یک قدرت بزرگ جهانی رسانید. هیرو هیتو که نوه موتوسو هیتو بود پس از ۶۳ سال سلطنت در ۷ ژانویه ۱۹۸۹ درگذشت و پسرش «آکی هیتو» به سلطنت رسید. اما به علت آن که پسری از ازدواج او به وجود نیامده است، پارلمان ژاپن درصدد وضع قانونی است که احتمالاً یکی از دختران امپراتور بتوانند بعد از آکی هیتو به امپراتوری برسند. ژاپنی ها در میهن پرستی زبانزد همه مردم دنیا هستند، به طوری که هر چند گاهی یکی از سربازان که از پایان جنگ اطلاع نداشته است پس از اطلاع از پایان جنگ، جنگل ها و مکان هایی که برای پست او در نظر گرفته شده را ترک می کند و به میهن اصلی خود ژاپن باز می گردد. این حالت در کویزومی نخست وزیر ژاپن نیز وجود دارد و او هر سال برای احترام به سربازان کشته شده در جنگ طی مراسمی شرکت می کند و این امر باعث اعتراض کره ای ها و چینی ها بوده است که به احترام جنایتکاران جنگی ژاپن در این گونه مراسم شرکت می کنند.

منابع:

۱- تاریخ دول معظم، نوشته ماکسیم مورن، ترجمه علی اصغر شمیم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۳۵

۲- تاریخ جنگ جهانی دوم، نوشته سپهبدمحمد نخجوان (امیر موثق)، جلد دوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۳۹

۳- تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر، نوشته هاشم رجب زاده، ناشر مولف، تهران، ۱۳۶۵

تقویم

تحصن در سفارت انگلیس

۲۹ تیر ۱۲۸۵: بازارها دیگر تقریباً به طور کامل بسته هستند، کسبه بازار تجار و اصناف و طلاب اکثریت به سفارتخانه رفته و به متحصنین پیوسته اند، جمعیت متحصنین هر ساعت نسبت به قبل بیشتر می شود اما با تدبیر سران قوم افرادی که احتمال داده می شد نظم را بر هم بزنند اجازه ورود به داخل سفارت را نمی یافتند. مردم برای جلوگیری از آفتاب و بارندگی در حیاط سفارت چادرهای بسیاری برپا کرده و با نظم و انضباط امورات خود را به انجام می رسانند. سفیر انگلیس در مورد این واقعه چنین می نویسد: «امور شام و ناهار متحصنین چنان نظم و ترتیبی داشت که به هیچ وجه تغییر در ساعت و مکان آن داده نمی شد. کلنل دوکلاس اتاشه (وابسته نظامی سفارت) مواظب ابنیه و عمارات سفارت بود. با وجودی که به هیچ وجه به این کار احتیاج نبود. چه خود متحصنین رعایت نظم و قانون را می نمودند.» ناظم الاسلام در تاریخ بیداری وضعیت چادرها را چنین نقل می کند: «می توان گفت سفارتخانه در حکم یک مدرسه شده است. چه در زیر هر چادر و هر گوشه ای جمعی دور هم نشسته و یکی از شاگردان مدارس و یا غیره آنها را تعلیم می دهند. یعنی چیزهای تازه ای به گوش مردم می رسانند که تاکنون احدی جرات نداشت بر زبان آورد.» متحصنین در روزهای اول از ترس جان خود و کم اطلاعی این درخواست ها را توسط مستر گراندوف شارژدافر (قائم مقام) سفارت انگلیس به عرض پادشاه رساندند. ۱- «اول اینکه تا علمای ما مراجعت نکنند به کار و شغلی دست نمی زنیم. ۲- مجلس عدالت که شاه چندماه پیش دست خط آن را به ما داده چرا اجرا نشده است. ۳- ما امنیت مالی و جانی نداریم و امنیت می خواهیم.» مستر گراندوف به قصر صاحبقرانیه در نیاوران که شاه در آن اقامت داشت می رود تا درخواست های متحصنین را به گوش اعلیحضرت پادشاه برساند. عین الدوله به بهانه بیماری شاه اجازه ملاقات نمی دهد و خودش نیز از پذیرفتن قائم مقام سفارت انگلیس امتناع می کند و به وی پیغام می دهد اگر پیامی دارید به صورت کتبی به وزیر خارجه بدهید تا دولت در زمان مقتضی پاسخ دهد. و او نیز درخواست را مکتوب و به وزیر امور خارجه عین الدوله تحویل داده و به سفارت برمی گردد. عین الدوله پاسخی به این شرح خطاب به مشیرالدوله اما برای متحصنین می نویسد و برای شارژ دافر سفارت انگلیس می فرستد و وی نیز آن نامه را برای مردم قرائت می کند: «خطاب به مشیرالدوله که در جواب متحصنین بگوید: ما علمای شما را نگفته ایم بروند بلکه خودشان رفته اند و خواهند برگشت به علاوه تمام علما نرفته اند و به قدری که

کار شرعیات شما مختل نماند در شهر هستند. اما دست خط عدالتخانه که اجرای آن را خواسته اید آن هم نظامنامه اش نوشته شده است. درصدد تشکیل مجلس عدالت هستیم و اما امنیت که خواسته اید بحمدالله تهران امن است.»

■ ۳۰ تیرماه

امروز هم بازارها تعطیل است و مردم، تجار و طلاب به سمت سفارت در حرکتند. جمعیت متحصنین به هزاران نفر رسیده است. «تقریباً تمامی چادرها یک روضه خوان داشتند. این چادرها با دایره ای از شنوندگان و منبر روضه خوان در انتهای آن، در حالی که مصائب حسین- (ع)- را نقل می کرد، تابلویی قابل تحسین بود.» امروز چندین قاصد از طرف شاه دستخط هایی برای متحصنین آوردند. آنها همه را رد کردند و در عوض گفتند درخواست هایشان را به شارژ دافر سفارت گفته اند، باید پاسخ او را بدهند. وقتی دیروز قائم مقام سفارت انگلیس موفق نشد به دیدن شاه برود «خانم نورالدوله همسر شاه و مادر عضدالسلطان به نزد شاه رفته و وقایع را به حالتی اندوهگین به اعلیحضرت شاه عرض کردند که مناسب نیست در زمان اعلیحضرت، رعیت پناه به خارجه ببرد، این دیگر مسئله ملاها نیست بلکه از ظلم و ستم عین الدوله رعایا به تنگ آمده و در سفارتخانه انگلیس چندین هزار نفر متحصن شده اند. شاه از شنیدن عرایض نورالدوله متاثر می شود.» و شارژ دافر سفارت مستر گراندوف را به حضور می پذیرد. وی نیز درخواست های متحصنین را که به خاطر زیاد شدن جمعیت و بالا رفتن اطلاعاتشان در این چند روز در چادرها، تندتر و منطقی تر شده به خدمت شاه می رساند: «۱- بازگشت علمای اعلام ۲- عزل اتابک (عین الدوله) ۳- افتتاح دارالشورا ۴- قصاص قاتلین شهدای وطن ۵- عودت مطرودین (رشدیه و دیگران)» شاه به گراندوف وعده برگزاری نشستی با حضور وزیر خارجه در روز هفتم مرداد می دهد. امروز صبح نیز جمعی از تجار را که به ملاحظاتی به سفارت رفته بودند به نیاوران احضار کرده و به حضور شاه می برند: مظفرالدین شاه با عصبانیت می پرسد: این اراذل و اشخاص ورشکسته بی سروپا کیستند که به سفارتخانه رفته اند؟ سپس از آنها می خواهد آن جمع را از سفارتخانه متفرق نمایند. تجار نیز در ظاهر موافقت کرده و از خدمت شاه خارج می شوند اما این جمع با آنکه دلشان با متحصنین بوده است هرچه سعی می کنند نمی توانند روسای متحصنین را جمع و گفت وگو نمایند. لذا از سفارت خارج می شوند و خبر شکست خود را به عین الدوله می رسانند. عین الدوله از آنها می پرسد این مردم چه می خواهند و چه می گویند. تجار هم از ترس سکوت کرده و فقط به سخنان عین الدوله گوش می دهند. تا اینکه معین التجار بوشهری خطاب به عین الدوله می گوید: «من از این جماعت نیستم و این جماعت مجلس می خواهد. از آن مجلس هایی که در تمام دنیا معمول است. عین الدوله از این سخنان ناراحت می شود و این جلسه با تجار را به فردا صبح موکول می نماید. امروز روزنامه ایران سلطان نیز که در آن نظام نامه قانون عدلیه به نشر رسیده است بین متحصنین توزیع می شود و به خاطر عدم اطمینانی که به حکومت وجود دارد آنها را پاره کرده و بدون توجه به آن خواسته های خود را دنبال می کنند. علما و همراهانشان نیز امروز صبح به علی آباد در دو منزلی قم می رسند و تا حوالی غروب که گرما رو به کاهش می گذارد در همانجا اطراق می نمایند و بعد به سمت قم حرکت می کنند و ساعاتی از شب گذشته به کوشک نصرت وارد می شوند. مردم قم نیز با نزدیک شدن علما خود را برای استقبال از علما و همراهانشان آماده می نمایند.

نوزده روایت از مشروطه

بیژن مومیوند

فراخوان همایش ایران یک صد سال پس از مشروطیت تجارب گذشته، چشم انداز آینده با استقبال اندیشمندان، صاحب نظران و پژوهشگران مواجه شد و تعداد زیادی مقاله برای این همایش ارسال شد که به دلیل محدودیت تعدادی از این مقالات توسط هیات علمی برای ارائه در همایش انتخاب شد. مقالات رسیده دارای نکات تحقیقی و تاریخی باارزشی هستند. به همین خاطر در ادامه گزارشی از این مقالات می آید:

■ «بدون تلاش به دموکراسی نمی رسیم» عنوان مقاله مژگان بیانی است که در آن به موانع عدم رسیدن دموکراسی در ایران پرداخته. بیانی دلیل نرسیدن به دموکراسی را عدم تلاش برای آن می داند و همچنین معتقد است که ایرانیان زمان مشروطه اصلاً درکی از دموکراسی نداشته اند و انقلاب مشروطه انقلابی دموکراسی زا نبوده است.

■ سعید بیگی پور در مقاله «مفهوم وطن در شعر مشروطه» به برداشت شعرای آن دوران از مفهوم وطن پرداخته و معتقد است که مفهومی که شاعران مشروطه از وطن ارائه داده اند متمایز از شعرای گذشته ایران است. نویسنده به بررسی مضمون وطن در شعر شاعرانی چون ملک الشعرای بهار، ادیب الممالک فراهانی، فرخی یزدی، نسیم شمال، عارف قزوینی، میرزاده عشقی و علی اکبر دهخدا پرداخته است. نویسنده در پایان نتیجه می گیرد: «با انقلاب مشروطه در ایران مسئله وطن به یکی از دغدغه های اصلی شاعران مشروطه تبدیل شد. مفهومی که این شاعران از وطن ارائه می کرده اند تقریباً همان تلقی و دریافتی است که ما امروزه از کشور داریم.»

■ «مشروطیت، مردم سالاری، فرهنگ سیاسی» عنوان مقاله ای از محمدرضا جاذبی است که در آن ارتباط فرهنگ سیاسی با دموکراسی و نظام مشروطه و نقش عوامل تاثیرگذار در دوران مشروطه تشریح شده است. ایشان در پایان نتیجه می گیرند که یکی از دلایل ناکامی نهضت مشروطیت نبود رفتار سیاسی مناسب با نظام قانون گرا بوده چرا که فرهنگ مشروطیت با فرهنگ غالب در جامعه ایران آن زمان متمایز بوده و معتقد است که ساختار سیاسی زمانی می تواند با فرهنگ سیاسی در یک جامعه همخوانی داشته باشد که شناخت سیاسی افراد با ساخت های سیاسی هماهنگ باشد.

■ علی خدابنده بایگی در مقاله ای تحت عنوان «آرا و اندیشه های علمای آزاداندیش شیعه در نهضت مشروطه» به بررسی اندیشه ها و مبانی فکری روحانیت شیعه و نقش آنها در تحولات مشروطه پرداخته است. نویسنده معتقد است مهم ترین نیروی پشتیبان نهضت مشروطه علمای شیعه بوده اند و اگر آنان نهضت را تایید نمی کردند مسلماً این حرکت اصلاح گرایانه در نطفه خفه می شد. نویسنده در این مقاله به معرفی آرا و اندیشه های علمایی چون سیدجمال الدین اسدآبادی، سیدمحمد طباطبایی، شیخ هادی نجم آبادی و علامه میرزا محمدحسین نائینی پرداخته است.

■ «جلوه انسان دوستی و حقوق بشر در اشعار شاعران دوره مشروطه» عنوان مقاله مجتبی رویتوند غیاثوند است که برای همایش فرستاده است. نویسنده در این مقاله سعی کرده است تا انعکاس و تجلی مفاهیم مطرح شده در غرب درباره حقوق فردی و حقوق بشر و تجلیات انسانی دوستی و وجوه مختلف آن در اشعار شاعرانی چون عارف قزوینی، ملک الشعرای بهار، فرخی یزدی، اشرف الدین حسینی و میرزاده عشقی مورد بررسی قرار دهد.

■ حامد شاه قلعه در مطلبی که برای همایش فرستاده اند طی فهرستی چهارصد عنوان کتاب پیرامون انقلاب مشروطه معرفی کرده اند.

■ «مشروطه ایران؛ تجربه موفق یا شکست دموکراسی؟» عنوان مقاله سارا صفاری است. این مقاله در ابتدا به طور مختصر به وضعیت ایران عصر قاجار و اصلاحات در آستانه انقلاب مشروطه پرداخته و عوامل زمینه ساز مشروطه خواهی در ایران را بررسی کرده و در بخش دیگر مصادیق خلاء دموکراسی در مشروطه ایرانی را مطرح می کند و در پایان به دستاوردهای مشروطه به عنوان تجربه موفق دموکراسی و به ثمر نرسیدن اهداف اولیه مشروطه به عنوان شکست دموکراسی می پردازد.

■ توران طولابی مقاله ای با عنوان «بررسی نحوه اجرای انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای ملی» ارسال کرده که در آن مسائل مهم و اساسی مرتبط با انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای ملی را بررسی کرده است. مجلس چهارم که بعد از فترتی طولانی افتتاح شد، اولین مجلسی بود که بعد از صدور فرمان مشروطیت به عمر قانونی خود خاتمه داد. این مقاله به بررسی چگونگی انجام انتخابات این دوره مجلس ملی پرداخته که یکی از حساس ترین انتخابات مشروطه بوده است. موضوعاتی که نویسنده در این پژوهش مورد بحث قرار داده عبارتند از ۱- چارچوب حقوقی انتخابات مجلس شورای ملی در دور چهارم، ۲- نحوه برگزاری انتخابات مجلس چهارم، ۳- احزاب و انتخابات مجلس چهارم و ۴- کیفیت برگزاری انتخابات و شکایات مرتبط با آن.

■ «بازشناسی نقش جریان های غرب گرا در سقوط مشروطه اول» عنوان مقاله سعید عبادزاده (مصدق) است. این مقاله نگاهی متفاوت به سیر تکوینی و انحطاط مشروطه دارد و ضمن توصیف تاریخچه ای از مشروطه به نقش فراماسون ها در به انحراف کشیدن مشروطه می پردازد.

■ احد عبادی در مقاله ای تحت عنوان «بررسی علل انقلاب مشروطه» به بررسی عوامل ظهور جریان مشروطیت پرداخته و در آن شرایط اقتصادی- اجتماعی ایران، تاثیر غرب و نظام اندیشه آن، اولین نشانه های ظهور و بروز اصلاح و اصلاح گری و نقش روشنفکران و روحانیت در ساختار انقلاب را مورد تحلیل قرار داده است.

نویسنده این مقاله معتقد است که در یک نگاه کلی می توان نهضت مشروطیت را جبران عقب ماندگی ها و سامان بخشیدن به مملکت دانست.

■ «مقابله با دین همگرایی با دینداری» عنوان مقاله جواد فخارطوسی است. این مقاله با مطالعه در تاریخ جنبش های اصلاحی یکصدساله اخیر نظریه ای را ارائه کرده مبنی بر اینکه علت العلل همه ناکامی ها و نارسایی های جنبش های اصلاحی مقابله و رودررویی با دین داری مردم ایران بوده و علت همه کامیابی های موردی و مقطعی مصلحان این دوره مبارزه با دین مردم ایران است. بنابراین مقاله به دو نوع مقابله اشاره می کند؛ نخست مقابله با دین داری و دوم مقابله با دین ایرانی است؛ اولی را ممنوع و دومی را واجب می داند و همین امر را رمز موفقیت های مصلحانی از قبیل امام خمینی و دکتر شریعتی می شمارد.

■ «تا کی درازدستی؟» عنوان مقاله ای است از عباس کشتکاران که برای دبیرخانه همایش ارسال کرده است. نویسنده معتقد است که مشروطه ایران که هم دستاوردهای مثبتی داشته و هم با موانع متعدد روبه رو بوده در مجموع باعث شده جامعه ایرانی یک گام به جلو در جهت توسعه یافتگی بردارد.

■ ضیاء مصباح در مقاله «علل و انگیزه های اجتماعی جنبش مشروطه خواهی ایرانیان» معتقد است مجموعه حوادثی که منجر به ظهور و تکوین مشروطیت ایران گشت، شاخص دوران نو در تاریخ ایران است، همچنان که رنسانس در جوامع غربی آغاز ایام جدید به شمار می رود. وی معتقد است که جنبش مشروطه ثمره سیر تکوینی راهی طولانی بود که باید ریشه آن را از اواخر دوران صفویه جست وجو کرد.

■ «بررسی علل عقب ماندگی ایران» مقاله ای است از علی اصغر مظفری. این مقاله بر آن است که عامل اصلی عقب ماندگی ایران نظام استبدادی سلطنتی و استعمار نبوده بلکه عامل اصلی عقب ماندگی ایران را عواملی چون شیوه تولید آسیایی (شرقی)، ناامنی به جای امنیت، تملق و چاپلوسی و مدح به جای انتقاد و آزادی بیان، خ